

تنظیم: عاطفه قره داغی از میانه

درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب

اغراق:

آن است که در وصف و ستایش یا ذم و نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده روی کنند، چندان که از حد عادت و معمول بگذرد. سعدی در توصیف بی رحمی و سنگدلی معشوق اغراق کرده و این گونه می گوید:

آه سعدی اثر کند در سنگ نکند در تو سنگدل تأثیر

نکته ۱: اغراق هم در شعر و هم در نثر کاربرد دارد.

چنانچه در کتاب « کلیه و دمنه » در توصیف دشت چنین آمده است که:
از رشک او رضوان (نگهبان بهشت) انگشت غیرت گزیده و در نظاره او آسمان چشم حیرت گشاده.

نکته ۲: اغراق مناسب ترین آرایه برای تصویر کشیدن یک دنیای حماسی است .

مانند ابیات زیر از شاهنامه فردوسی :

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب
دلاور زگفت پدر چون هژبر یکی نعره زد کآب خون شد در ابر

نکته ۳: زیبایی اغراق در این است که غیر ممکن را طوری ادا می کند که ممکن و درست به نظر می رسد .

مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست یا شب و روز به جز فکرتوام کاری هست
در این بیت شاعر می گوید که شب و روز به جز اندیشه تو چیز دیگری در ذهن ندارم که چنین امری محال است.

نکته کنکوری:

جملاتی که اغراق دارند، کنایه نیز دارند :

که گفتت برو دست رستم ببند نبندد مرا دست چرخ بلند (فردوسی)

در این بیت رستم ادعا می کند که حتی فلک هم نمی تواند او را اسیر کند و قدرت خود را بیش از حد معمول جلوه می دهد که این خود کنایه از قوی بودن یا قدرت زیاد می باشد

مثال های دیگر:

ز دیدنت نتوانم که دیده بردوزم و گر معاینه بینم که تیر می آید (سعدی)

اغراق و کنایه از علاقه ی زیاد

زند بانگ اگر هیبتش بر سحاب گهرها شود در صدفها حباب

اغراق و کنایه از با ابهت و پر شکوه بودن

ایهام:

یک کلمه همزمان دو معنی داشته باشد ایهام است و در بیت یا جمله داری ایهام می توان با هر دو معنی کلمه، بیت را معنا کرد . مانند :
خواندم افسانه شیرین و به خوابش کردم

شیرین : ۱) خوب و دلنشین ۲) معشوقه فرهاد که هر دو معنی را می توان در بیت معنا کرد

نکته ۱: ایهام نوعی بازی با ذهن است به گونه ای که ذهن را بر سر دوراهی قرار می دهد .

نکته ۲: انتخاب یکی از دو معنی ایهام در یک لحظه بر ذهن دشوار است

نکته ۳: در ایهام شرط است که هر دو معنی در جمله کاربرد داشته باشد، مانند :

روستایی که **معرکه** خوانده می شد با صدرش از شرافت خاکش دفاع کرد

معرکه : ۱) میدان جنگ ۲) خوب و بی نظیر

نکته ۴: شرط شناخت ایهام در آن است که حتما معانی مختلف یک واژه را بدانیم.

مثال :

حکایت لب شیرین ، کلام فرهاد است شکنج طره ی لیلی ، مقام مجنون است

شیرین: ۱- خوب و دلنشین ۲- نام معشوقه ی فرهاد

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

کنار: ۱- ساحل ۲- آغوش

ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
 مدام: ۱- همواره، همیشه ۲- شراب
 ای بی خبر از شرب مدام ما
 زمانی می توانیم آرایه ی ایهام را دریابیم که از معانی مختلف آنها آگاه باشیم.

نمونه ای از مهمترین لغاتی که متضمن آرایه ی ایهام هستند

آب: مایع نوشیدنی - رونق و آبرو	آهنگ: قصد و نیت - نغمه و صدا
آهو: غزال - ایراد، عیب	آیت: آیه ی قرآن - نشانه
از این دست: شیوه - عضو بدن	اسب: حیوان اسب - مهره ی شطرنج
افتاده: بر زمین افتاده - متواضع	باب: رایج - در
باد: جریان هوا - فعل دعایی "باشد"	بار: مرتبه - محموله
باز: پرنده ی شکاری - دوباره - گشاده	بالا: جهت بالا - قامت
بر آید: طلوع کند - ممکن بشود	بو: رایحه - آرزو
بوستان: نام کتاب سعدی - باغ	بهشت: جنت - بگذاشت رها کرد (از مصدر هشتن)
بی خبر: بی خبر و بی اطلاع - مست و مدهوش	بی وزن: بی وزن و سبک - بی ارزش
پرده: ستر و حجاب - اصطلاحی در موسیقی	پروانه: حشره - اجازه
پرشانی: به هم ریختگی - عاشقی	پیاده: متضاد سوار - مهره ی شطرنج
پیل: نام حیوان - مهره ی شطرنج	تاب: پیچ و تاب - گرما - تب و تاب - عصبانیت
تار: رشته ی مو - تاریک - نوعی ساز	ترک: رها کردن - کلاه خود
تفسیر: شرح و بیان - تفسیر قرآن	چپ: دوین، آحول - سمت چپ
چنگ: دست - نوعی ساز	چین: کشور چین که مظهر زیبایی بوده - پیچ و تاب
حافظ: نام شاعر - حافظ قرآن	حجاز و عراق: اسم مکان - اصطلاحی در موسیقی
حدیقه: کتاب سنایی - باغ	حلاج: پنه زن - لقب حسین بن منصور
خراب: مستی - نابودی	خطر: حادثه - ارزش: کارمهم
خلیل: دوست - لقب حضرت ابراهیم (ع)	خُمش: فعل امر "خاموش باش" - تخلص شعری مولانا
خویش: ضمیر مشترک - بستگان	داد: عدل - فریاد - بن فعل ماضی

دار: درخت - چوبه ی اعدام	دارا: داریوش - ثروتمند - دارنده
درگرفتن: اثرکردن - آتش گرفتن	دستان: دست‌ها - حيله و مکر - لقب زال پدر رستم - نغمه
دم: نفس - دم عربی به معنای خون	دو رنگی: دو روی - دو رنگ بودن
دور: روزگار - به دور گرداندن شراب توسط ساقی	دوراندیش: آینده نگر - کسی که به دور می اندیشد
دوش: دیشب - کتف	دیدار: دیدن - چهره
دیده: چشم - دیده شده	راح: شادمانی - شراب
راست: درست متضاد چپ	راه: مسیر - نغمه (اصطلاح موسیقی)
رخ: صورت و روی - مهره " قلعه " در شطرنج	رنگ: شیوه - الوان - بز کوهی
روان: جاری - روح ، جان	رود: رود خانه - نوعی ساز - فرزند
روزی: رزق - یک روز	روی: متضاد زیر - چهره - نوعی فلز
زال: پیر زن - شخص سرخ روی سپید موی - نام پدر رستم	
زبان: لسان - فتیله ی شمع	زد: ضربه زد - ساز زد
سرگرم: مشغول بودن - از مستی گرم و پر نشاط بودن	سو: سمت و جهت - نور ، روشنایی
سیاه دل: بی رحم - میانه اش سیاه است.	شام: شب - کشور شام (سوریه)
شانه: کتف - ابزار آراستن مو	شاه: پادشاه - مهره ی شطرنج
شفا: صحت - نام کتابی از ابوعلی سینا	شکر: ماده شیرین خوراکی - معشوقه خسرو پرویز و هووی شیرین خانم
شکسته: خرد شده - گوشه ای در موسیقی	شمس: خورشید - شمس تبریزی
شور (غوغا - نوعی مزه - دستگاهی در موسیقی)	شهریار: پادشاه - تخلص محمد حسین بهجت
شیرین: معشوقه ی فرهاد - نوعی مزه	صبر: شکیبایی - گیاهی بسیار تلخ
عزیز: دوست داشتنی - مقام مملکتی در مصر	عشاق: عاشقان - اصطلاحی در موسیقی
عود: نوعی ابزار موسیقی - چوب سوختنی خوشبو	عهد: روزگار ، دوران - پیمان
عین: چشمه - چشم - ادات تشبیه به معنی " کاملاً شبیه به "	
غریب: عجیب - بیگانه	قابل: قبول کننده ، پذیرنده - لایق ، سزاوار
قانون: قاعده و مقررات - نوعی ساز است.	قربان: فدا و قربانی - جعبه ای که در آن تیرو کمان می نهند

قلب : دل - سکه ی قلبی - دگرگون کردن - میانه ی لشکر

قلم: شکسته (قلم شده) - ابزار نوشتن کنار: آغوش - ساحل - جنب چیزی

کام : آرزو - دهان کیمیای سعادت: سعادت مانند کیمیا - راز خوشبختی - نام کتابی از امام محمد غزالی

گران: سنگین - باارزش گلستان: کتاب سعدی - گلزار

گور: قبر - گور خر گوشه: کنج - اصطلاح موسیقی

لاله: نام گل - نام نوعی چراغ لاله رو: رخ چون لاله - لاله روینده

لب: عضوی در صورت - لبه ، کناره مات شدن: مبهوت شدن - مردن - باختن (اصطلاح شطرنج)

مالک دینار: نام شخصیتی تاریخی - صاحب ثروت ماه: ماه آسمان - سی روز

مجنون: لقب "قیس بنی عامر" که دل داده لیلی بود - دیوانه

مخفی: پوشیده و پنهان - تخلص شعری "زینب النساء"

مردم: همواره ، همیشه - شراب مردم: مردمک چشم - انسان ها

مردم دار: اهل معاشرت - داری معاشرت - دارای مردمک چشم

مشتری: خواهان و خریدار - نام سیاره ای در منظومه شمسی

منال: مال و منال دنیوی - ناله مکن منصور: پیروز - حسین بن منصور حلاج

مهر : خورشید - محبت - ماه مهر مهر و وفا: محبت و وفاداری - نام شخصیت های اصلی افسانه ای عاشقانه

نای: نی - حلق - نام قلعه و زندانی که مسعود سعد در آن زندانی بود.

نطح: سفره - صفحه شطرنج نقد: سکه و پول - بررسی

نگاه: دیدن - حفظ کردن نگران: نگرنده ، نگاه کننده - دل واپس، مضطرب

نوا: ساز و چاره - دستگاهی در موسیقی نواختن: نوازش کردن - ساز زدن

نهاد: سرشت - فعل ماضی به معنی قرار داد ورق: کاغذ - برگ گل

هزار: عدد ۱۰۰۰ - بلبل هوا: جو - میل و هوس - عشق

ایهام تناسب :

به کار گیری واژه ای با حداقل دو معنی که یک معنی مورد نظر است و معنی دیگر با بعضی از اجزای کلام تناسب دارد .

نکته ۱ : ایهام تناسب مجموعه ای از ایهام و مراعات نظیر است .

مثال: مدامم مست می دارد شراب جعد گیسویت خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت

کلمهٔ مدام به معنی (همواره ، همیشه - شراب) می باشد که در بیت فقط معنای همیشه بکار رفته است و مدام به معنی شراب با کلمهٔ مست آرایه ایهام تناسب ساخته است .

نکته ۲: وجود مراعات نظیر دربیت می تواند نشانه ی وجود ایهام تناسب است

زهره سازی خوش نمی سازد مگر عودش بسوخت کس ندارد ذوق مستی می گساران را چه شد
 دربیت فوق کلمات عود و سوخت مراعات نظیر هستند که عود (نوعی ابزار موسیقی - چوب سوختنی خوشبو) در معنی دوم بکار نرفته اما با کلمه سوخت ایهام تناسب ساخته است

تمرین:

- در ابیات زیر « ایهام » ، « ایهام تناسب » را مشخص کنید.

- ۱- اکنون سزد نگارا گر حال من پیرسی / یادم کنی که این دم دوراز تو ناتوانم
- ۲- به راستی که نه همبازی تو بودم من / تو شوخ دیده مگس بین که می کند بازی
- ۳- تا با کمان ابرو بنشست در کمینم / در خون خویش بنشانند از تیر دل نشینم
- ۴- چشمم آن دم که ز شوق تو نهد سر به لحد / تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود
- ۵- چون لاله در این دامن صحراست فروزان / از گرم روانی که نشان قدمی هست
- ۶- تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم / ترجیع بند ناله بود بندبند ما
- ۷- دردل فکند شور جزا گریه تلخش / از آتش رخسار تو هر دل که کباب است
- ۸- عشق بازی و جوانی و شراب لعل فام / مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام
- ۹- به مزده جان به صبا داد شمع در نفسی / ز شمع روی تواش چون رسید پروانه (ایهام تناسب)
- ۱۰- چه سود نرگس سرمست را نصیحت بلبل / که هیچ فایده نبود اگر هزار گوید
- ۱۱- گر بدین شیوه کند چشم تو مردم را مست / نتوان گفت که در دور تو هوشیاری هست
- ۱۲- لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی
- ۱۳- مخور طعمه چون خسروانی خورش / خوب شد اسباب خود بینی شکست
- ۱۴- از قضا آینه ی چینی شکست / که توانگشت نمایی و خلاق نگرانت
- ۱۵- نه من انگشت نمایم به هواداری رویت / که توانگشت نمایی و خلاق نگرانت
- ۱۶- نقدی که زیبازار تو بردیم تلف گشت / سودی که ز سودای تو کردیم زیان شد
- ۱۷- عشق بازی و جوانی و شراب لعل فام / مجلس انس و حریف همدم و شرب مدام

پاسخ تمرین :

- ۱- ایهام - «دوراز تو» : جدایی از تو - دور باد از تو
- ۲- ایهام - «بازی» : پرنده ی شکاری- بازی
- ۳- ایهام - «دلنشین» : اصابت کننده بر دل - خوشگوار
- ۴- ایهام - «نگران» : نگاه کننده - دل واپس
- ۵- ایهام - «لاله» : نام گل - نام نوعی چراغ
- ۶- ایهام - جدایی از آن لب - دور باد از آن لب
- ۷- ایهام تناسب - کلمه ی «شور» تنها به معنای «غوغا» دربیت بکار رفته و به معنای «نوعی مزه» با واژه تلخ تناسب دارد
- ۸- ایهام - «مدام» : همواره ، همیشه - شراب
- ۹- ایهام تناسب - واژه «پروانه» فقط درمعنای «اجازه» دربیت بکار رفته اما درمعنی «حشره» با شمع تناسب دارد
- ۱۰- ایهام تناسب - واژه «هزار» فقط درمعنای «عدد» دربیت بکار رفته اما درمعنی «بلبل» با بلبلونرگس تناسب دارد
- ۱۱- ایهام - «دور» : روزگار - به دور گرداندن شراب توسط ساقی
- ۱۲- ایهام تناسب- واژه «روی» فقط درمعنای «امکان» دربیت بکار رفته اما درمعنی «چهره» با «لب و دندان» تناسب دارد
- ۱۳- ایهام - «خسروانی خورش» : خورشت شاهانه - نوعی خورشت یا خورشتی که خسرو پخته بود
- ۱۴- ایهام - «خود بینی» : خودخواهی و غرور- خود را دیدن
- ۱۵- ایهام - «نگرانت» : نگرنده به تو - دل واپس، مضطرب برایتو
- ۱۶- ایهام تناسب - «سودای» به معنای «تجارت - عشق» دراین بیت معنای تجارت بکار نرفته ست اما با واژه «بازار» تناسب دارد
- ۱۷- ایهام - «مدام» : همیشه - شراب

خودارزیابی

درهریک از ابیات زیر آرایه های ایهام وایهام تناسب را مشخص کنید ومعنای مختلف واژه ای که این آرایه را به وجود آورده است ، بنویسید .

الف) بگفتا عشق شیرین بر تو چون است بگفت از جان شیرینم فزون است نظامی

ایهام در واژه ی شیرین درمصرع اول که درمعنای ۱- خوب و گوارا ۲- نام معشوقه ی فرهاد ، بکاررفته است

ب) چون شبنم افتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم سعدی

ایهام در واژه ی «افتاده» : که به معنای ۱) فروتن ومتواضع ۲) افتادن و قرارگرفتن بر روی زمین. بکار رفته است

واژه ی «مهر» ایهام تناسب دارد ، چون معنی مورد نظر شاعر عشق و محبت است اما غیر از این معنی واژه ی «مهر» به معنی خورشید

است که در این صورت با واژه های «عیوق و آفتاب» تناسب دارد

پ) عرضه کردم جهان بر دل کارافزاده به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست حافظ
 واژه ی « باقی » ایهام تناسب دارد ، چون معنی مورد نظر شاعر باقیمانده و بقیه است اما غیر از این معنی واژه ی « باقی » به معنی جاویدان است که در این صورت با واژه های « فانی » تناسب دارد

ت) نگران بامن استاده سحر / صبح می خواهد ازمن / کز دم او آورم این قوم به جان باخته را / بلکه خبر نیما یوشیج
 ایهام در واژه ی « نگران » : که به معنای ۱) مضطرب ۲) درحال نگرستن، بکار رفته است
 ۲- اغراق های به کار رفته در بیت ها و عبارت های زیر را بیابید و توضیح دهید .

الف) گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را از نازکی آزار رساند بدنش را طرب اصفهانی
 اغراق در توصیف لطیف بودن بدن یار چنان چه برگ لطیف گل نیز بدنش را آزار می رساند
 ب) آن فرومایه هزار من سنگ بر می دارد و طاق یک حرف نمی آرد. سعدی
 اغراق در بلند کردن هزار من سنگ توسط کسی که انتقادپذیر نیست درحالی که طاق شنیدن یک حرف را ندارد
 ۳- با توجه به بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

ازخون و گل و شکوفه تابوت شهید بر موج بلند دست ها رنگین بود نصرالله مردانی

از	خو	ن	گ	ل	ش	کو	ف	تا	بو	ت	ش	هید
بر	مو	ج	ب	لن	د	دس	ت	ها	رن	گین		بود
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	U	U	-

مستفعل فاعلات مستفعل فع

پایه های آوایی این بیت میتواند به صورت (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل) تفکیک شود

الف) اختیارات وزنی بیت را بیابید و نوع آن را مشخص کنید

اختیارزبانی : بلندتلفظ کردن مصوت کوتاه هجای پنجم مصرع اول

اختیار وزنی : بلند محسوب شدن هجای کشیده پایان مصرع اول و دوم

اختیار وزنی ابدال : تبدیل دو هجای کوتاه یازدهم و دوازدهم مصرع اول به یک هجای بلند

ب) بیت را از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید.

تابوت شهید بر روی دستان مردم تشییع کننده که همچون موج پرخروش است از گل و خون و شکوفه رنگین شده است .

(عظمت و شکوه تشییع پیکر غرق به خون شهید را به تصویر کشیده است)

کارگاه تحلیل فصل

کافر مگر جوی زیان بینی

۱ الف) - هر چه داری اگر به عشق دهی

هرچِ دا ری - - U -	اَگَر بِ عَش - U - U	ق دَ هِی - U U
کافِ رَمِ گر - - U -	جُ وی زِ یان - U - U	بی نی - -
فاعلاتن	مفاعلن	فعلن

نوع اختیارات: ابدال در رکن پایانی مصرع دوم

عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی

(ب) من ندانستم از اوّل که تو بی مهر و وفايي

من نَ دانس - - U -	تَم زَو وک - - U U	ک تِ بی مه - - U U	رُ و فای - - U U
عه د نا بس - - U -	تَن زان به - - U U	ک بِ بن دی - - U U	ی نَ پای - - U U
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

نوع اختیار: آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن در رکن اول هر دو مصرع

نبود دندان لابل چراغ تابان بود

(پ) مرا بسود و فرو ریخت هرچه دندان بود

مَ را بِ سو - U - U	دُ فُ رو ری - - U U	خت هر چ دن - U - U	دان بود - -
نَ بو د دن - U - U	دان لابل - - -	چِ راغِ تا - U - U	بان بود - -
مفاعلن	فاعلاتن	مفاعلن	فعلن

نوع اختیارات: الف) ابدال در هجای پنجم مصرع دوم / ب) ابدال در رکن پایانی مصرع اول و دوم

سوی دلم به سرانگشت امتحان نگشود

(ت) نماند تیری در ترکش قضا که فلک

ک ف لک - U U	ک ش قَا ضَا - U U	ری در تر - - -	نَ ما ند تی - U - U
نَ گُ شود - U U	ت ام ت حان - U - U	ب س رن گش - - U U	سوی دلم - U U -
فعلن	مفاعلن	فعلاتن	مفاعلن

اختیارات: الف) ابدال در هجای پنجم مصرع اول / ب) قلب در هجای اول و دوم مصرع دوم

پ) در هجای نهم تغییر کمیّت مصوّت بلند تلفّظ کردن مصوّت‌های کوتاه / ت) بلند بودن هجای کشیده در پایان مصرع دوم
ث) همه در خورد رای و قیمت خویش از تو خواهند و من تو را خواهم

م ت خیش - U U	د رأ ی قی - U - U	ه م در خُر - - U U
خا هم - -	دُ من تُ را - U - U	از تُ خا هن - - U -
فعلن	مفاعلن	فعلاتن / فاعلاتن

اختیارات: الف) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در رکن اول مصرع دوم / ب) ابدال در رکن پایانی مصرع دوم

ج) ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

بر ش وی - U -	ک صا حب خ U - - U	بر ب کوش U - U -	ای بی خ U - -
بر ش وی - U -	کی را ه U - -	رو ن با شی - U -	تا را ه U - -
فاعلن	مفاعیل	فاعلات	مفعول

اختیارات: ابدال در هجای هفتم که دو هجای کوتاه به جای یک هجای بلند قرار می‌گیرد.

۲- در بیت های صفحه بعد اغراق، ایهام و ایهام تناسب را بیابید و توضیح دهید.

الف) جان ریخته شد با تو، آمیخته شد با تو / چون بوی تودارد جان، جان را هله بنوازم / مولوی

ایهام در واژه‌ی «بو»: که به معنای (۱) عطر (۲) قصد، بکار رفته است

ب) گوینده روی سرخ تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم / سعدی

واژه‌ی «روی» ایهام تناسب دارد، چون معنی مورد نظر شاعر «چهره» است اما غیر از این معنی به معنی «فلز روی» نیز است که در این معنی نیامده است اما با واژه‌های «مس و زر» مراعات نظیر دارد

پ) چندین که بر شمردم از ماجرای رعشقت، / اندوه دل نگفتم الا یک از هزاران / سعدی

اغراق در توصیف اندوه دل که با وجود این همه بر شمردن هنوز تنها یکی از هزاران اندوه، گفته شده است

۳- دو مورد از ویژگی‌های ادبیات دوره انقلاب را در شعر «در سایه سار نخل ولایت» پیدا کنید.

چگونه شمشیری زهر آگین / پیشانی بلند تو / این کتاب خداوند را / از هم می‌گشاید؟

چگونه می‌توان به شمشیری، دریایی را شکافت؟ / هنگام که همتاب آفتاب / به خانهٔ تیمکان بیوه زنی تابیدی

و صولت حیدری را / دست مایهٔ شادی کودکانه شان کردی / و بر آن شانه که پیامبر پا نهاد / کودکان را نشاندی

و از آن دهان که هرآی شیر می‌خروشید / کلمات کودکانه تراوید / آیا تاریخ، بر درِ سرای

به تحیر / خشک و لرزان نمانده بود؟ / سید علی موسوی گرمارودی

پاسخ: قالب شعر، سپید است. ، زبان و لحن شاعر صمیمانه است. / مضمون ابیات ایثار حضرت علی و بزرگی ایشان و بیانگر عشق مذهبی

شاعر است. / از نظر زبانی: روانی و سادگی شعر و بهره‌گیری از جملات ساده، ورود لغات و ترکیبات زبانی جدید مانند هرآی شیر،

صولت حیدری، همتاب آفتاب و نیز وجود ترکیبات امروزی مانند پیشانی بلند تو، کتاب خداوند

کاربرد آرایه‌های مختلف مانند: تلمیح، استعاره: دریا، این کتاب خداوند، وجود تصاویر خیالی مانند: از آن دهان که هرآی شیر

می‌خروشید.